

نبود تفکر سیستمی در حکمرانی اقتصادی



مواجهه با مشکلات و مسائل پیچیده به طور جامع به مسائل نگاه کند، تصمیم‌گیری نماید و کارآمد در مسیر درست و صحیح قدم بردارد. راهی جز تغییر باورهایمان نسبت به اقتصاد، سیاست، جامعه داخلی و بین‌المللی و تغییر الگوی فکری و نگرشمان در مدیریت اقتصادی کشور وجود ندارد. تا زمانی که این باور به وجود نیاید که با اقتصاد دولتی نمی‌توان کشور را اداره کرد و تداوم دولتی بودن اقتصاد کشور، مصداق این گفته میلتنون فریدمن اقتصاددان معروف است که «اگر مسئولیت بیابان صحرا را به بخش دولتی واگذار کنید، بعد از گذشت پنج سال با کمبود شن مواجه می‌شوید»، نمی‌توان به تغییر وضعیت از «بحرانی به تعادل» امیدوار بود. باید این باور ایجاد شود که بخش خصوصی واقعی ناجی اقتصاد کشور است و تأخیر در برقراری سازوکار تسلط اقتصاد خصوصی واقعی، کشور را با سرعت تصاعدی به سوی بحران غیرقابل جبران سوق می‌دهد. ♦♦

و انرژی باشد، اما بی‌توجهی به این مهم، داستان‌های غم‌انگیز غیرقابل سکونت شدن برخی از شهرها، هزینه‌های هنگفت تأمین زیرساخت‌ها برای صنایعی که به دلیل سلايق و علايق منطقه‌ای و محلی مستقر شده‌اند، آلودگی بحران‌آفرین شهرهای بزرگ، ناترازی بنیان‌کن در تولید و مصرف آب، گسترش بی‌رویه شهرها، خالی شدن روستاها از سکنه، حاشیه‌نشینی‌های مخرب شهرها، بحران‌های اجتماعی، بهره‌وری پایین و غیره را به وجود آورده است. عدم هماهنگی با سیاست‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، بازارهای بالقوه‌ای را از دسترس خارج نموده و کشور را در محاصره تصمیم‌های خلق‌الساعه‌ی غیرکارشناسی و بعضاً غیرعقلانی قرار داده است و اقتصادی را که می‌توانست درون‌زا و برون‌گرا باشد و با حضور در رقابت‌های بین‌المللی نمایش قدرتی از کشوری ثروتمند و با پتانسیل فزاینده باشد، به اقتصادی درون‌گر و صادرکننده کالا و خدمات ابتدایی و عمدتاً منابع خام تبدیل کرده است. عبور از این وضعیت در گرو مدیریت سیستمی و عقلانی قدرتمند است تا در

عبور از این وضعیت در گرو مدیریت سیستمی و عقلانی قدرتمند است تا در مواجهه با مشکلات و مسائل پیچیده به طور جامع به مسائل نگاه کند، تصمیم‌گیری نماید و کارآمد در مسیر درست و صحیح قدم بردارد. راهی جز تغییر باورهایمان نسبت به اقتصاد، سیاست، جامعه داخلی و بین‌المللی و تغییر الگوی فکری و نگرشمان در مدیریت اقتصادی کشور وجود ندارد.

♦ سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
و رئیس شورای سیاست‌گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان

پیتر سنتر (Peter Senge) در کتاب «پنجمین رشته انبساط» تفکر سیستمی را این‌گونه تعریف می‌کند: «تفکر سیستمی راهی برای فکر، زبانی برای توصیف و درک و نیرو و روابط متقابل است که رفتار سیستم‌ها را شکل می‌دهد. این رشته به ما کمک می‌کند ببینیم که چگونه می‌توان سیستم‌ها را به‌طور مؤثر تغییر داد و با روند معمول جهان طبیعی و اقتصادی، هماهنگ‌تر عمل کرد».

با این تعریف وضعیت حکمرانی اقتصادی در کشور را ارزیابی می‌کنیم تا دریابیم چه سطحی از تفکر سیستمی پیاده شده است یا اصلاً سیستمی وجود دارد تا فکری بر آن اساس شکل گیرد. به موضوع پرتکرار روز؛ ناترازی‌ها می‌پردازیم. کمتر کسی از آحاد جامعه ایرانی هست که این کلمه را نشنیده باشد. ناترازی این روزها در بیان افرادی است که می‌بایست پاسخگوی نابسامانی‌ها در تولید کشور باشند. ناترازی‌ها از کجا شکل گرفته است؟! با یک بررسی مقدماتی در می‌یابیم که تفکر و رفتار سیستمی در اندازه‌های اندک هم در تصمیمات اقتصادی کشور رعایت نشده است. ناهماهنگی در اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی و معدنی با مصرف انرژی بالا و عدم توجه به تفاوت معنادار رشد مصرف سالیانه انرژی با رشد تولید آن و فراهم نمودن تمهیدات حضور فعالان بخش خصوصی در تولید انرژی، تخلف از یک اصل مهم مدیریت سیستمی است. آمایش سرزمین حکم می‌کند که استقرار صنایع متناسب با شرایط اقلیم و دسترسی به زیرساخت‌ها، مواد اولیه، آب